شهرآرا
روزنامه شهرامید وزندگی
SHAHRARANEWS.IR
اشنبه
۲۲ تیر ۱۳۹۹
۲۰ذی‌القعده ۱۴۴۱
شماره ۳۱۴۹
۱۲

حوادث

آوار مرگ‌بار شن بر روی ۴۰۵



اعلام خبر وقوع تصادف دل خراش در نزدیکی مشهد مأموران ایستگاه‌های ۸، ۹ و ۳۹ آتش‌نشانی مشهد را به همراه عوامل پلیس راه سر خط این حادثه کرد. با حضور مأموران آتش‌نشانی در محل سانحه و بررسی‌های میدانی اولیه مشخص شد که یک دستگاه خودروی کامیون بر روی یک سواری پژو ۴۰۵ واژگون شده و به نوعی این خودرو را خرد کرده است. مأموران در ادامه بررسی‌های خود دریافتند که سواری پژو تنها یک سرنشین داشته که او داخل اتاق پرس شده این سواری محبوس است. آتش‌نشانان در همان دقایق ابتدایی با برداشتن کامیون واژگون شده شرایط را برای رهاسازی راننده پژو ۴۰۵ که احتمال فوتش وجود داشت فراهم کردند و سر آخر بدن بی‌جان او را از میان آهن پاره‌های خودرواش درآوردند. افسر نگهبان آتش‌نشانی مشهد در این‌باره گفت: این حادثه عصر دیروز و در جاده مشهد-فریمان ابتدای دوربرگردان بهشت‌رضای مشهد رخ داد که در آن یک خودروی کامیون بنز ده تن حامل شن به علتی نامعلوم بر روی یک خودروی ۴۰۵ واژگون شد و راننده آن را به کام مرگ کشاند. سرآتشیار حسن عظیمیان بیان کرد: علت این حادثه مشخص نیست و صحنه تصادف پس از بازگشایی معبر در اختیار کارشناسان پلیس راهور استان قرار گرفت.

خبر کوتاه

بخشش اعدامی پس از ۱۲ سال

مدیرکل زندان‌ها و اقدامات تأمینی یزد از بخشش یک محکوم به قصاص با رضایت اولیای دم پس از ۱۲ سال خبر داد. رضا ذوالفعلی‌نژاد در تشریح جزئیات این خبر روز گذشته به ایرنا گفت: این محکوم به قصاص نفس با تلاش و پیگیری شورای حل اختلاف و ستاد دیه و با جلب رضایت ولی‌دم از مجازات اعدام نجات یافت و از زندان نیز آزاد شد. این مقام مسئول ادامه داد: سال گذشته نیز ۱۲ محکوم به قصاص نفس با همکاری شورای حل اختلاف و نیکوکاران و جلب رضایت شاکیان از بند اعدام رهایی یافتند و از زندان آزاد شدند.

داستان جنایی

بوی خاکستر سرد

(قسمت اول)

ایلیا موسایی

من اگر یک بردست ساده نبودم عین همین‌ها کارگاه خیاطی راه می‌انداختم. عین چی پول پارو می‌کنند. همین‌طوری خوشی می‌زند زیر دلشان و این لگدپرانی‌ها مال همین قماش‌هاست دیگر. خوب نیست آدم پشت سر مرده ور بزند ولی ذلیل‌شده توی همین اتاق برش کار خودش را تمام کرد. حالا هم منِ سیاه‌بخت باید اینجا بنشینم و جای سرقیچی زدن و بسته‌بندی، کمر تا کنم و خاکستر آدم مذنب جارو کنم. نمی‌دانم آدم چطور می‌تواند خودش را آتش بزند. این همه راه. قرص و هزار درد بی‌درمانی که اقل کم درد ندارد. حالا هرغلطی می‌خواهی بکن اما چرا زجرکش می‌کنی.

من دیده بودم با هم جیک‌وپیک دارند ولی پیش هیچ تنابنده‌ای دم نزدم. مرضیه خانم مدام صدا می‌زد: «سعید آقا یک لحظه بیا» سعید هم از خدا خواسته عین فنر می‌پرید نکبت بلاگرفته. ارواح شکمشان انگار من خبر ندارم چکار می‌کنند. همه به این دست چپ وامانده‌ام نگاه می‌کنند و فکر می‌کنند حالا که ناقصم حتما خر هم هستم. والا خرِ کر و کور هم اگر بود، می‌دید این‌ها مشکوک می‌زنند. می‌دید که سعید هرروز خدا وقتی کار تمام می‌شد و همه می‌رفتند خانه به بهانه سرویس کردن و تمیزکاریِ سردرو می‌ماند توی کارگاه. بهم می‌گفت: «تو برو سمانه» بعدِ چشم‌هایش را از چشم‌هایم می‌دزدید. من هرچی نداشته باشم همه می‌گویند که چشم‌هایم شراره می‌بارد. سعید هم می‌ترسید این‌وقت‌ها چشم‌توچشم‌شود. فقط می‌گفت: «شرمنده، امروز نمی‌تونم برسونمت» خب به اسفل السافلین. حالا انگار ماندهِ همین دوزار پول اتوبوسم. چیزی نمی‌گفتم. توی دلم غر می‌زدم فقط. ولی چیزی نمی‌گفتم. هی توی دلم می‌گفتم: «اروح دماغت. منم خبر ندارم سروگوشت می‌جنبه... جلو من فیلم بازی نکن» ولی دست برنمی‌داشت. آدم فاسق همین می‌شود. لجن‌مال که بشوی بو می‌گیری. بعد هم جانت بو می‌گیرد. حالا هی خودت را بشور و عطر و ادکلن خالی کن روی سرت. نچ افاقه نمی‌کند. دماغ سمانه هم بویت را توی عطاری شام هم که شده پیدا می‌کند.

اگر گیر می‌دادم می‌گفتند این دنبال شوهر است. همینم مانده. هم انگشت‌های دستم کج‌وکنجل باشند و هم از این حرف‌ها پشت سرم راه بیفتد؟ که چه؟! سمانه نه گذاشته و نه برداشته با همین عیب و عیوب افتاده دنبال سعید که شوهر دست‌وپا کند. خود سعید از همان اوایل می‌گفت من را می‌رساند. من که قبول نمی‌کردم. اصرار می‌کرد. می‌گفت سرراهش است و عین بچه‌ها طوری می‌گفت که نمی‌توانستم نه بیاورم. بعدا که مرضیه خانم ناز و غمزه می‌ریخت براش، هوایی شد این بچه. پسرِ سادهِ زن ندیده. حالا گیرم یک طلاقی هم گرفته باشد. خودش تعریف می‌کرد. وگرنه من را چه به این حرف‌ها. پشت فرمان قراضه که می‌نشست دهنش گرم می‌شد. می‌گفت توی عقد بودند فقط. خودش می‌گفت از این دخترهای شل‌وول بوده. خدا می‌داند باد از کجا وزیده و هوایی‌اش کرده. وگرنه به این سعید بی‌دست‌وپا نمی‌آید این‌طوری دخترپران باشد. بعد هم حتما مخ دختر تاب برداشته بود. خب بگو قیافه می‌خواهی؟ سعید. نجابت می‌خواهی؟ سعید. نمی‌دانم چه مرضی است. خدابه‌خیر کند. حالا هم این زن خودش را آتش زده و همه را می‌خواهند پای این بخت‌برگشته بنویسند. بعد من فکر می‌کنم خودم سیاه‌سرم... این سعید که بدتر از من است... البته خبط‌هایی کرده.

ادامه دارد...

سرهنگ علیرضا رضایی، رئیس پلیس راه خراسان جنوبی: ۷ صبح دیروز یک دستگاه خودروی سواری پراید با یک تریلی در کیلومتر ۱۰۰ جاده طبس برخورد کرد و دچار آتش‌سوزی شد. در اثر این حادثه ۴ سرنشین پراید در میان شعله‌های آتش سوختند و جان خود را از دست دادند. انحراف به چپ خودروی پراید ناشی از خستگی علت اصلی این حادثه اعلام شد.

عاقبت شوم عشق نامشروع

بازسازی صحنه قتل شبانه مرد مشهدی در بولوار شاهنامه، ناگفته‌های زیادی داشت

محمد جواد ابوعطا
m.abouata@shahraranews.ir

روشن شدن چراغ خانه همسایه مرده، دیگر همسایه‌ها را به خیابان کشید. آن‌ها دیروز صبح در شاهنامه ۱۸ گرد خانه‌ای جمع شدند که بامداد سه‌شنبه گذشته، کانون توجه بود و حالا پس از گذشت ۴ روز از جنایتی تلخ، با انتقال متهمان برای بازسازی صحنه جرم، درهای آن باز شده بود. چشم‌ها به خودروی حامل متهمان که دو مرد و زنی جوان درون آن بودند دوخته شده بود و لب‌های زیادی به لعن و نفرین زن خیانتکار گشوده شده بود.

در میان بهت و تحلیل شاهدانی که همه چیز را در شب جنایت در ذهنشان ثبت و ضبط کرده بودند، زنی جوان که محرک اولیه قتل بود به همراه مردانی که نقش قاتلان اجاره‌ای را برای عشقی نافرجام بازی کرده بودند، با دستور مقام قضایی به مسلخ بازگشتند.

یک آغاز تلخ

ماجرای این پرونده از ساعت ۳ بامداد سه‌شنبه هفته گذشته در خیابان شاهنامه ۱۸، با قتل مردی سی‌وسه ساله از سوی افراد مهاجم در منزل شخصی‌اش به جریان افتاد. با حضور عوامل انتظامی و تیم جنایی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد، تحقیقات آغاز شد. زن مقتول با ادعای اینکه هنگام وقوع حادثه خواب بوده و با صدای خرخر عجیبی که از حلقوم همسرش خارج می‌شده از خواب پریده، داستان ساختگی دیدن سایه ۲ مرد هنگام فرار بر روی دیوار و تعقیب آن‌ها را برای قاضی علی‌اکبر احمدی‌نژاد تعریف کرد. داستانی که هر بار آن را بازگو می‌کرد دچار انحرافات جدیدی می‌شد و نمی‌توانست دوبار داستانش را به یک شکل تعریف کند. همین موضوع ظن تیم جنایی را برانگیخت و او به عنوان مظنون دستگیر شد.

زن در بازجویی‌های تخصصی کار آگاهان پلیس آگاهی نتوانست نقش خود را در این جنایت انکار کند، هر چند که به آن هم اعتراف نکرد، اما قاتل همسرش که مردی بیست‌ونه ساله بود را معرفی کرد. اعترافی که در کمتر از ۱۲ ساعت به دستگیری متهم اصلی و دیگر همدستش انجامید.

دستگیری متهمان به قتل و اعترافات آن‌ها نقش زن را از حاشیه به متن اصلی پرونده کشاند و مشخص شد که متهم اصلی با دستور زن جوان و عشقی نافرجام دست به این جنایت زده است. او حتی گفت که در شب حادثه زن جوان در حیاط را برای ورود بی‌سر و صدایشان باز گذاشته و در قتل مرد مشارکت داشته است.

پرده برداشتن از سناریوهای سوخته

متهمان در اعترافات اولیه اعلام کردند که آشناهای قدیمی هستند و پدربزرگانشان با هم همسایه بوده‌اند. آن‌ها از فضای مجازی گفتند که باعث شده پس از سال‌ها همدیگر را دوباره بیابند و زن که از همسرش دل خوشی نداشته و دیگر از او خوشش نمی‌آمده است، دل به عشق مردی می‌سپارد که متأهل بوده و ۳ دختر دارد. معضلات طلاق و ناپسند بودن آن در عرف و اجتماع، سنگ سختی می‌شود پیش پای آن‌ها. در نهایت آن‌ها تصمیم بر حذف فیزیکی رقیب می‌گیرند.

بازسازی صحنه جرم با اظهارات متهم اصلی پرونده که ضربات چاقو را بر پیکر مرد جوان نواخته و مرگ او را رقم زده بود آغاز شد. متهم بیست‌ونه ساله در اظهاراتی صریح اعلام کرد که از حدود ۳ ماه قبل در واتس‌آپ و اینستاگرام با زن بیست‌ودو ساله‌ای آشنا شده است. زن از زندگی‌اش می‌نالد و مرد هم به او اظهار عشق می‌کند. اما از آنجا که زن شوهر داشته، این عشق فرجامی نداشته است.

مرد که در عشق او می‌سوخته، به دنبال راه‌حل می‌گردد که زن موضوع قتل همسرش را مطرح می‌کند. متهم نیز بدون چون و چرا این خواسته را قبول می‌کند. آن‌ها دو روز قبل از وقوع حادثه، تصمیم می‌گیرند تا نقشه‌شان را عملی کنند.

آن‌ها سناریو را این‌گونه طراحی می‌کنند که هنگام بازگشت زوج جوان به منزلشان در بولوار شاهنامه، زن دچار حالت تهوع شود و از شوهرش بخواهد در یک نقطه از پیش مشخص شده، خودرو را نگه دارد. در این لحظه متهم به همراه رفیقی که از ابتدا قرار بوده او را همراهی کند، به مرد حمله کنند و او را بکشند. این نقشه به علت دیر رسیدن مهاجمان و همچنین نگه داشتن خودرو در جایی دورتر از محل مشخص شده، ناتمام می‌ماند.

متهمان قرار بعدی را دوشنبه‌شب-شب قبل از جنایت- می‌گذارند و نقشه همان بوده که در شب جنایت رخ می‌دهد. به این ترتیب زن در حیاط را باز می‌گذارد تا آن‌ها راحت وارد شوند اما پس از رسیدن متهمان مشخص می‌شود که مرد نخوابیده و بیدار است و قرار نیست امشب به خواب ابدی برود.

جیغ بنفش در بامداد شوم

متهمان که نتوانسته‌اند از پس کار برآیند، سه‌شنبه شب را برای انجام نقشه شومشان مشخص می‌کنند و زن مأمور می‌شود تا بستر کار را طوری فراهم کند که این‌بار کار به خوبی انجام شود. هر چند که زن مدعی شد فقط در را باز گذاشته، اما بی‌حالی مقتول در شب جنایت، خوراندن مواد خواب‌آور را برای مقام قضایی مسجل کرد.

مهاجمان نیمه‌شب خود را به پشت در این خانه می‌رسانند. خانه‌ای که مرد سی‌وسه ساله و دختربچه چهارساله‌اش در آن خفته بودند، در این میان زن جوان هم ناخواسته خوابش می‌برد. متهمان بدون هیچ صدایی وارد می‌شوند. متهم اصلی چاقو در دست داشته و متهم ردیف دوم برای اینکه دست خالی نباشد تکه آجری از توی حیاط برمی‌دارد. آن‌ها همچون اجل معلق روی سر زن و مرد که هر دو خواب بودند می‌ایستند و به صورت هماهنگ و ناگهانی به مرد یورش می‌برند، آن‌ها پیش از اینکه مرد بتواند واکنشی نشان دهد با چاقو ۳ ضربه به قفسه سینه‌اش می‌زنند و چندین بار آجر را به سرش می‌کوبند.

ضربه دوم چاقو که به بدن مقتول وارد می‌شود، زن از خواب می‌پرد و با دیدن خون جاری شده بر بستر، به علت ترس ناشی از دیدن صحنه ناخواسته جیغی بنفش می‌کشد و خیلی زود دستش را روی دهانش می‌گذارد تا صدای بیشتری از آن خارج نشود.

اثبات خیانت و یک آرزوی احتمالی

زن صبر می‌کند تا مهاجمان بروند، بعد با سر و صدا خودش را درون کوچه می‌اندازد و همسایه‌ها را با خبر می‌کند. فریادهایی که نتوانست خیانت او را در نقشه جنایت پنهان کند. نقشه‌ای که شیرازه چندین زندگی را بر سر هوس‌رانی او از هم پاشید و حالا دخترک چهارساله آن‌ها باید با داستان‌های ساختگی اطرافیان از نبود پدر و مادرش، قد بکشد و با هزار و یک سؤال بی‌جواب در پس ذهنش بزرگ شود. شاید هم بزرگ‌ترین آرزوی زندگی‌اش بازگشت به اوضاع آرام پیش از بامداد هفدهم تیر ۱۳۹۹ باشد.



عکس اختصاصی

اخبار جهان

قتل برای نزدن ماسک

فرانسه | یورو نیوز | فیلیپ مونگیوت، راننده اتوبوس درون شهری جنوب غربی بایون فرانسه که از دو مسافر طبق قوانین خواسته بود داخل اتوبوس از ماسک استفاده کنند، مورد ضرب و جرح قرار گرفت. مونگیوت پنجاه‌ونه ساله بر اثر این حمله دچار مرگ مغزی شد و در بیمارستان جان خود را از دست داد. ژان کاستکس، نخست وزیر فرانسه به این راننده اتوبوس ادای احترام کرده و او را به عنوان یک شهروند نمونه و فراموش نشدنی معرفی کرده است. دادستانی فرانسه هم گفته است که متهمان دو جوان بیست‌ودو و بیست‌وسه ساله هستند که پلیس درصدد شناسایی و دستگیری آن‌هاست.

مرگ ۶۸ غیرنظامی به دست طالبان

افغانستان | فارس | دفتر شورای امنیت ملی افغانستان اعلام کرد ۲۳ غیرنظامی در حملات تروریستی گروه طالبان جان خود را از دست دادند و ۴۵ نفر دیگر نیز زخمی شدند. بر اساس این گزارش، قربانیان این عملیات‌های تروریستی در ۱۶ ولایت افغانستان بوده‌اند که طی یک هفته گذشته جان خود را از دست داده‌اند. در هفته گذشته که کابل میزبان ۳ نشست منطقه‌ای و بین‌المللی درباره صلح بود، یکی از تأکیدات شرکت‌کنندگان این نشست‌ها کاهش خشونت‌ها برای شروع مذاکرات بین‌الافغانی بوده است. «حمدا... محب» مشاور امنیت ملی افغانستان نیز به تازگی گفته است که طالبان با افزایش خشونت‌ها، مذاکرات با حکومت را به تعویق انداخته است.

ابتلای ۱۲ میلیون نفر به کرونا

آمریکا | عصر ایران | از زمان شیوع ویروس خطرناک کووید ۱۹ در سراسر جهان تاکنون ۱۲ میلیون و ۶۳۱ هزار نفر به این بیماری مبتلا شده‌اند. در این مدت هم بیش از ۵۶۲ هزار نفر در سراسر جهان در اثر ابتلا به ویروس کرونا جان خود را از دست داده‌اند. آمریکا با ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار بیمار کرونایی و ۱۳۶ هزار و ۶۷۱ فوتی از نظر تعداد مبتلایان و قربانیان این ویروس در رده اول جهان ایستاده است. کشورهای برزیل با یک میلیون و ۸۰۴ هزار و ۳۳۸ مبتلا و ۷۰ هزار و ۵۲۴ فوتی، هند با ۸۲۲ هزار و ۶۰۳ مبتلا و ۲۲ هزار و ۱۴۴ فوتی و روسیه با ۷۱۳ هزار و ۹۳۶ مبتلا و ۱۱ هزار و ۱۷ فوتی هر کدام در جایگاه دوم تا چهارم قرار دارند.

جدول شماره: ۲۹۷۱

طراح: محمدرضا علیزاده

